

متن پرسش

با عرض سلام و وقت بخیر: ۱. من به تازگی با سیر مطالعاتی شما آشنا شده ام و کتاب های «جوان و انتخاب بزرگ» و «آشتی با خدا» را مطالعه کرده ام و برخی از حقایق برایم روشن شده است و دیدم نسبت به دنیا و مرگ تا حدودی تغییر کرده همین موضوع باعث شده که به دیگری که با این مسائل آشنا نیستند و از معارف بهره ی چندانی ندارند و دنبال کسب آن هم نیستند به چشم حقارت بنگرم و شاید خود را برتر از آنها بدانم و گاهی این سوال ذهنم را درگیر می کند که چرا خدا مرا هدایت کرده و می کند ولی بعضی ها را نه. و این که چطور عرفا با این که واقعا به مراتب بالایی دست یافته بودند دچار خود بزرگ بینی نمی شدند؟ ۲. چه کنیم با وجود موفقیت در امری (مثلا قبولی در کنکور) دچار غرور نشویم؟ و آن را وسیله ای برای پز دادن قرار ندهیم؟ ۳. وقتی خبر فوت شخصی را می شنویم باید برای او خوشحال شویم یا ناراحت؟ و اینکه در کتاب آشتی با خدا آورده اید که امام سجاد (ع) می فرمایند: وقتی بدن مومن را غسل می دهند به روح او گفته می شود آیا دوست داری به بدنی که در آن بودی برگردی؟ می گوید چه خواهم گرفتاری و غم و اندوه را؟ منظور از مومن چه جور مومنی است؟ باید حتما در حد عرفا مثلا آیت اله بهجت باشد که چنین پاسخی بدهد یا همین که یک انسان معمولی باشد که به نماز و روزه و واجبات مقید بوده (مثل اکثر مردم) او هم دیگر طالب بازگشت به بدنش نخواهد بود؟ و اینکه در قرآن می فرماید: چون مرگ یکی از آنها فرا رسد گوید مرا به دنیا باز گردان که اگر برگردم عمل صالح انجام دهم پس این آیه درباره ی چه کسانی است؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- گفت: «هر عنایت که داری ای درویش / هدیه‌ی حق بدان، نه کرده‌ی خویش!» ما چه می‌دانیم، شاید آن‌هایی که ما به ظاهر لائالی می‌دانیم حق برایشان روشن نشده است نه آن که معاند باشند ۲- چرا موفقیت‌های دنیایی را مهم بدانیم که دچار غرور شویم؟! ۳- وقتی شخص مورد اُنس ما رحلت می‌کند به جهت آن که مأنوس خود را از دست داده‌ایم اشک می‌ریزیم، نه آن که نگران آن باشیم. آری! انسان مؤمنی که شوق ارتباط با خدا را دارد در جواب ملائکه‌ای که به او می‌گویند، می‌خواهی برگردی، چه می‌خواهم دنیای غم و دردسر را؟ برعکس کافران و معاندان که التماس می‌کنند «فرجعونی لعلی اعمل صالحا» و دروغ می‌گویند. موفق باشید